

تأملی بر فلسفه وجودی دروس عمومی در برنامه های درسی آموزش عالی ایران

دکتر جواد حاتمی^۱

همانطور که از عنوان دوره آموزش عالی هویداست، فلسفه نظام دانشگاهی به توسعه‌ی حرفه‌ای و تخصصی معطوف است. حال آنکه، بخش عمده‌ای از دروس این دوره به مباحث تعلیم و تربیت عمومی اختصاص یافته است که با رسالت اصلی دوره آموزش عالی در تضاد می‌باشد. این دروس که تقریباً یک سوم از برنامه درسی دوره‌های کارشناسی را به خود اختصاص می‌دهد، تقریباً هیچ ارتباطی با رشته‌ی تخصصی دانشجو ندارد و یک تکلیف بیهوده به نظر می‌رسد. این در حالی است که حتی برنامه‌های درسی تخصصی نیز دقیقاً منطبق با نیازهای بازار کار نبوده و در برخی تحقیقات، حتی تا ۸۰ درصد زائد^۲ تشخیص داده شده‌اند (فتحی و اجارگاه و حسینی لرگانی، ۱۳۹۷). مسئله‌ی محوری و اساسی این است که اکثر عناوین دروس عمومی در دوره تعلیم و تربیت عمومی آموزش داده شده و انتظار بر این است که در برنامه‌ی درسی مربوط به آموزش و پرورش، اهداف آموزشی این طیف از دروس محقق شده باشد. حال اگر به هر دلیلی این امر تحقق نیافته باشد، بار مسئولیت آنرا نباید به دوره‌ی بالاتر تحمیل کرد. پرواضح است که اجبار و تکلیف ما لایطاق برنامه درسی آموزش عالی، موجب دور شدن این دوره از اهداف و رسالت اصلی خود خواهد شد. این مسئله در شرایطی بغرنج‌تر می‌شود که در برخی زیرنظام‌های آموزش عالی شهریه‌پرداز نظیر؛ دانشگاه پیام نور، غیرانتفاعی، پردیس‌های بین‌الملل، علمی-کاربردی و دانشگاه آزاد اسلامی بایستی هزینه‌های این تکلیف مازاد و غیرتخصصی توسط دانشجو پرداخت شود. به عبارت دیگر، متاعی بدون بهره تخصصی در آینده که جزو الزامات نظام آموزش عالی است ولی هزینه‌ی آن بر عهده‌ی دانشجو می‌باشد. برای مثال در رشته‌ی تعمیر و نگهداری آسانسور که از رشته‌های دانشگاه جامع علمی-کاربردی است و دانشجو با پرداخت شهریه به قصد آموختن حرفه‌ای حضور یافته است، تحمیل دروس عمومی غیر مرتبط با حوزه تخصصی مربوطه، منطقی به نظر نمی‌رسد و اجبار این دروس، به ایجاد نگرش‌های منفی و در تضاد با اهداف همان برنامه‌های درسی منجر خواهد شد.

^۱ استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس و سردبیر دو فصلنامه برنامه درسی آموزش عالی

j.hatami@modares.ac.ir

آنچه که مسلم است، هدف نظام آموزش عالی، تربیت نیروی تخصصی و با صلاحیت برای بخش‌های مختلف جامعه است. از اینرو، برنامه درسی این دوره بایستی منطبق بر شایستگی‌های حرفه‌ای رشته‌های تخصصی مختلف باشد و هرگونه برنامه درسی زائد، هرس شود. برنامه درسی غیر کاربردی از دو منظر قابل بحث است. یکی از منظر عناوین دروس و دیگری از نظر روزآمد بودن سرفصل‌های درسی. هر عنوان درسی بایستی معطوف به شایستگی خاص حرفه‌ای باشد. این نکته، در درجه‌ی اول اهمیت است. در مرحله بعدی، بایستی گروه خبرگانی رشته‌ی مورد نظر، از باب استنادات علمی و روزآمدی، بر آن صحنه بگذارند. علاوه بر این، بومی سازی و منطبق کردن آن با الزامات فرهنگ شناختی(ایرانی-اسلامی) نیز بعد سوم برنامه درسی در نظام آموزش عالی ایران است. هر سه‌ی این موارد به برنامه درسی قصد شده مربوط است و حال آنکه برنامه درسی در مرحله اجرا نیز با مسائل عدیده و ظریفی مواجه است. با فرض اینکه حتی برنامه درسی یک رشته تخصصی به وجه احسن، طراحی و تدوین شده باشد، کفایت نمی‌کند و بایستی توسط افراد ذیصلاح و خبره، اجرا و تدریس شود. اجرای برنامه‌های درسی متعدد قصد شده(مصوب)، به نیروی انسانی کافی برای ارائه دروس طراحی شده نیاز دارد. در بسیاری از موارد به دلیل، کمبود نیروی انسانی خبره، اجرای برنامه درسی به افراد غیر ذیصلاح واگذار می‌شود و در چنین شرایطی، نه تنها اهداف دروس محقق نمی‌شود بلکه از اهداف آموزشی و اصلی درس نیز دور می‌شویم. برنامه درسی بایستی به نحو احسن اجرا شود، نه اینکه به نمایش اجرای آن بسنده شود. از آنجا که عمده‌تاً اهداف آموزشی دروس عمومی، اهداف نگرشی هستند، اجرای آنها نیز به الگوهای دقیق و پیچیده نیاز دارد. آموزش‌های نگرشی متعلق به حیطه عاطفی برنامه‌ی درسی است که از نظر اجرایی جزو سخت‌ترین مقولات آموزشی است. نگرش، دارای سه مولفه‌ی اصلی است. این عناصر عبارتند از؛ شناخت، احساس و رفتار(اروین، ۲۰۰۱). مهمترین بخش آموزش نگرشی، همان بخش شناختی است ولی تمام آن نیست. یعنی نگرش، بدون بعد احساسی و رفتاری آن ناقص است. آنچه که در آموزش دروس عمومی برنامه درسی آموزش عالی ایران رخ می‌دهد، تأکید بر بعد شناختی و مغفول ماندن سایر ابعاد نگرش است. محدود ساختن آموزشی نگرشی، صرفاً به بعد شناختی، موجب شکل گرفتن، نگرش‌های ناقص و حتی خطرناک می‌شود. پژوهش‌های محقق(حاتمی، ۱۳۸۴) و نیز تحقیقات جهانی(کامرات و کامرات، ۱۹۹۹) نشان می‌دهد که اینگونه آموزش‌ها بایستی به صورت غیر مستقیم و از طریق کانال‌هایی غیر از برنامه درسی رسمی ارائه شود. تعهد و التزام به کاربست این یافته‌ها، موجب هرس زوائد برنامه درسی در سطح آموزش عالی خواهد شد.

امید است با توسعه‌ی فرهنگی و احترام به تخصص‌گرایی، شاهد هدفمندی و خالص‌سازی بیش از پیش برنامه‌های درسی در آموزش عالی کشور باشیم.

تأملی بر فلسفه وجودی دروس عمومی در برنامه...

منابع

حاتمی، جواد. (۱۳۸۴). طراحی الگویی برای تغییر نگرش‌های اجتماعی و ارزیابی برنامه درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی بر اساس آن. رساله دکتری مطالعات برنامه درسی. دانشگاه تربیت مدرس.

فتحی واجارگاه، کوروش. حسینی لرگانی، سیده مریم. (۱۳۹۷). مفهوم سازی برنامه درسی زائد در نظام آموزش عالی ایران. فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی. دوره ۱۵، شماره ۳۰.

Ervin, Phil. (2001). Attitudes and Persuasion. Psychology Press.

Kamrat, Tomas & Karmat, Elizabeth. (1999). Structured design for attitudinal instruction. In: Instructional-Design Theories and Models. (Charles Reigeluth). Volume II. Routledge Publication.